

ارزیابی دیدگاه آیت الله صدر کاظمینی در شناخت مؤلف «فقه الرضا» و اعتبار اثر در استنباط فقهی*

محمد رضا منوچهری نایینی^۱

محمد حکیم^۲

چکیده

شناخت مؤلف و میزان اعتبار روایات کتاب «فقه الرضا» در اجتهاد شیعی، از دیرباز دیدگاه‌های گوناگون و متفاوتی را در دانش‌های فقه و حدیث امامیه پدید آورده است. در میان این نظریات، دیدگاه مطرح شده توسط آیت الله سید حسن صدر کاظمینی (م. ۱۳۵۴ ق)، از اثرگذاری و اهمیتی ویژه درباره این کتاب برخوردار است. در این نظریه کوشش شده است تا یگانگی «فقه الرضا» و کتاب «التکلیف» شلمغانی، با استناد به حضور متفردات و روایات منحصر به فرد محمد بن علی شلمغانی در کتاب منسوب به حضرت رضا (ع) اثبات شود. همچنین، نظریه پرداز به اثبات عدم اعتبار استنباط احکام فقهی بر اساس احادیث کتاب، به دلیل ذکر نشدن اسناد متصل برای روایات اثر اهتمام ورزیده است. در جستار پیش رو که با روش تحلیلی-توصیفی سامان یافته، از یک سو، شواهد و ادله یگانگی کتاب «فقه الرضا» و کتاب «التکلیف» مورد بررسی و نقد قرار گرفته است و از سوی دیگر، تأثیر عدم درج اسناد متصل در اعتبار اجتهاد فقهی با استناد به احادیث کتاب، واکاوی شده است. نتایج این پژوهش از این شمار است: نخست اینکه استناد به روایات اختصاصی شلمغانی، تنها مجموعه‌ای بودن اثر را اثبات می‌کند و نشان می‌دهد که این کتاب، از به هم پیوستن اوراقی پراکنده از چند مؤلف پدید آمده است، نه یکتایی محض دو اثر؛ دوم اینکه به دلیل حصول وثوق به صدور روایات از جانب اهل بیت (ع) بر اساس شواهد و قرائن گوناگون و اطمینان به صحت عمل مطابق با احادیثی از کتاب که با ضوابط مذهب فقهی امامیه هماهنگ هستند، استنباط احکام بر پایه روایات «فقه الرضا»، مطابق با اسلوب‌های پذیرفته شده در اجتهاد خواهد بود و فقیهان مجازند با استناد به این کتاب، به استنباط فقهی بپردازند.

واژگان کلیدی: فقه الرضا، فقه رضوی، کتاب التکلیف، شلمغانی، سید حسن صدر.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶ (مقاله پژوهشی)

۱. استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم / mrnaeini47@gmail.com

۲. طلبه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

khak_mohammad@yahoo.com

۱- مقدمه

پژوهشگران دانش‌های فقه، حدیث و کتاب‌شناسی امامیه، در واکاوی و شناخت مؤلف کتاب «فقه الرضا (ع)»، دیدگاه‌ها و احتمالات متعدد و متفاوتی را مطرح نموده‌اند. این کتاب حدیثی که در شمار آثار فقه ماثور قلمداد می‌شود، از دیرباز به عنوان اثر منسوب به امام علی بن موسی الرضا (ع) مشهور بوده و در مجامع علمی شیعه، مباحثی دیرین و درازدامنه را در حوزه کتاب‌شناسی و اعتبارسنجی فقهی و حدیثی به خود اختصاص داده است.

پیشینه آشنایی مجامع علمی شیعه با کتاب «فقه الرضا (ع)»، به قرن یازدهم هجری قمری باز می‌گردد. کهن‌ترین گزارش از دست‌یابی فقیهان امامیه به این کتاب، در عصر مولا محمدتقی مجلسی (م. ۱۰۷۰ ق) و پسرش، علامه محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق)، مطرح گردیده است و برخی محققان، این تاریخ را آغاز قطعی معرفت «فقه الرضا (ع)» به عنوان کتاب نگاشته حضرت رضا (ع)، یا به املائی آن حضرت قلمداد کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۷۱۷/ خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۳۶). مولا محمدتقی مجلسی، ابتدا در «روضه‌المتقین»، ضمن معرفت «رسالة الشرايع» علی بن بابویه قمی (م. ۳۲۹ ق)، به تاریخچه دست‌یابی گردیدن نسخه کهن «فقه الرضا (ع)» اشاره کرده و تأثیر این کتاب را در تألیف آن رساله و سایر آثار ابن بابویه قمی و فرزندش، شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق)، تبیین نموده است و تصریح می‌کند که این دو فقیه، با استناد به روایات کتاب فقه رضوی فتوا داده و آن را کلام معصوم (ع) برشمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۱۶-۱۷، پانوشت مؤلف). مجلسی پس از آن، در «لوامع صاحبقرانی»، ذیل شرح عبارتی که شیخ صدوق از رساله پدرش ابن بابویه قمی^۱ نقل می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۸۸)، این عبارت از «رسالة الشرايع» و سایر عباراتی را که علی بن بابویه برای پسرش، شیخ صدوق نگاشته، مأخوذ از کتاب «فقه الرضا (ع)» دانسته است (برای مشاهده مطابقت، نک. امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۸۵). او در ادامه نیز، اکثر عباراتی را که شیخ صدوق بدون ارائه سند متصل به ائمه (ع) مطرح می‌کند، متخذ از همان کتاب می‌داند و تصریح می‌کند که نسخه قدیمی این کتاب در قم موجود بوده، سپس به مکه منتقل گردیده است و توسط دانشمندی عادل و ثقه، به نام قاضی سید میرحسین استنساخ شده و در اختیار وی قرار گرفته است.

هرچند شخصیت قاضی سید میرحسین، به روشنی و قطعیت شناخته شده نیست، اما وثاقت و اعتبار دیدگاه وی در نگاه مولا محمدتقی و علامه محمدباقر مجلسی قابل استنباط است، زیرا توصیف او به «فاضل معظم، محدث ثقه و عدل»، توسط این دو دانشمند، توثیق روشن قاضی در نگاه آنان محسوب می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۱۳/ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱). از این رو، هرچند برخی محققان، توثیق قاضی میرحسین در کلام مجلسی را ناشی از تسامح قلم پنداشته‌اند (خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۳۱)، اما شواهد صریح یادشده، باعث عدم اعتنا به نسبت اشتباه و تسامح قلم به مجلسی در این توثیق خواهد بود. همچنین، توصیف قاضی به «عالم جلیل نبیل» توسط میرزا عبدالله افندی (م. حدود ۱۱۳۰ ق) در «ریاض العلماء» - هرچند ممکن است مبتنی بر اعتماد به دیدگاه علامه مجلسی باشد، اما شاهدهی دیگر بر وثاقت سید میرحسین قلمداد می‌گردد. افندی، وی را از مشایخ اجازه علامه مجلسی برشمرده است و به اعتماد مجلسی بر «فقه الرضا (ع)»، به دلیل صحیح دانستن کتاب توسط قاضی، تصریح می‌کند

۱. وَ قَالَ أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ فِي «رِسَالَتِهِ» إِلَى: «لَا بَأْسَ بِتَبْعِيضِ الْغُسْلِ ...».

(افندی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۳۰).

مجلسی، وجود خط حضرت رضا (ع) را در بخش‌هایی از نسخه کهن این کتاب، قطعی دانسته است و از موافقت و یکسانی احادیث «فقه الرضا (ع)» با عبارات متعدد در «من لایحضره الفقیه»، گمان قوی به دست آورده است که علی بن بابویه قمی و شیخ صدوق به تصنیف و تألیف این کتاب به دست حضرت رضا (ع) علم داشته‌اند (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۱۳ و ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۱۶-۱۷).

پس از مجلسی، فرزندش، علامه محمدباقر مجلسی نیز، در فصل اول از مقدمه «بحارالانوار»، شیوه دستیابی به این کتاب را به واسطه قاضی سید میرحسین گزارش کرده است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱). پس از دیدگاه یادشده درباره «فقه الرضا (ع)»، نظریات دیگری نیز توسط محققان شیعه در زمینه شناخت مؤلف اثر مطرح گردیده است. مجموعه دیدگاه‌ها و احتمالات گوناگون صاحب‌نظران را درباره مؤلف فقه رضوی، می‌توان در گزاره‌های ذیل برشمرد:

نظریه نگارش کتاب به قلم حضرت رضا (ع) (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۶ / مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۱۱-۱۲ / بحرالعلوم، بی‌تا، ص ۱۵۰، فائده ۴۵ / نراقی، ۱۴۱۷، ص ۷۲۴. ضمناً، احتمال تألیف کتاب به املائی حضرت (ع) نیز به این نظریه ملحق می‌گردد؛ نظریه جای داشتن «فقه الرضا (ع)» در زمره آثار مهجور، با مؤلفی ناشناخته (حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۴ / حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۱)، نظریه اتحاد «فقه الرضا (ع)» و کتاب «التکلیف» محمد بن علی شلمغانی (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، ص ۸۷) و احتمالات و فرضیاتی مانند: عینیت و اتحاد «فقه الرضا (ع)» و «رسالة الشرايع» علی بن بابویه قمی (افندی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۳۱، به نقل از میرزا محمد شیروانی)، اتحاد «فقه الرضا (ع)» با کتاب جعفر بن بشیر یا کتاب محمد بن علی بن حسین بن زید یا کتاب ورزیه بن محمد غسانی (درباره سه احتمال اخیر ر.ک: نوری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۱، به نقل از نگاشته مخطوط سید محمدباقر شفتی بر نسخه‌ای کهن از فقه رضوی)، بر ساخته و وضعی بودن «فقه الرضا (ع)» (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۳)، تألیف «فقه الرضا (ع)» به دست یکی از اصحاب حضرت رضا (ع) (همان) یا یکی از راویان متقدم امامیه و یا فقیهان عامل به متون احادیث (چهار سوقی، بی‌تا، ص ۴۰)؛ و عینیت «فقه الرضا (ع)» با کتاب «المنقبة» تألیف حضرت امام حسن عسکری (ع) (همان، ص ۴۱ / نوری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۲ و ر.ک: مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۲۴. ن. ک: «المنقبة» به جای «المنقبة»).

چنانکه روشن است، تحلیل و بررسی هر کدام از این اندیشه‌ها و احتمالات، پژوهشی مستقل را می‌طلبد که خارج از مجال نوشتار حاضر است و البته، پیش از این، علاوه بر آثاری که در بردارنده نظریات و احتمالات یادشده هستند، پژوهش‌های جدیدی نیز در ارزیابی برخی از دیدگاه‌های مذکور به انجام رسیده است (منوچهری نایینی و حکیم، ۱۳۹۷، صص ۹-۶۰). اما در این بین، نظریه خاصی که توسط فقیه، کتاب‌پژوه و مرجع تقلید شیعه، سید حسن صدر کاظمینی (۱۲۷۲-۱۳۵۴ ق. جهت آشنایی با شخصیت نامبرده، ر.ک. صدر کاظمینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۱۴ / امین، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۲۵ / طهرانی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۴۴۵) طرح و تبیین گردیده است، از جمله آرای مهم و تأثیرگذار در کتاب‌شناسی معاصر درباره کتاب «فقه الرضا (ع)» به شمار می‌رود (ن. ک. مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۷ / شبیری زنجانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۸۶۵ و ج ۱۴، ص ۴۷۶۸).

کتابشناسی علامه سیدحسن صدر درباره «فقه الرضا (ع)»، در یک تک‌نگاری ویژه درباره این اثر، به نام «فصل القضاء فی الکتاب المشتہر بفقه الرضا (ع)» تدوین یافته است (صدر کاظمینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۱۸/ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۳۴) و دو هدف اساسی را پی می‌گیرد:

الف) اثبات اتحاد «فقه الرضا (ع)» و کتاب «التکلیف»، اثر نامدار و چالش‌برانگیز متقدم در مجامع علمی و عمومی شیعه، تألیف ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی (م. ۳۲۲ یا ۳۲۳ ق) و ب) تبیین عدم اعتبار استنباط فقهی با استناد به روایات این اثر.

در این دیدگاه، برای اثبات هدف نخست، به وجود برخی فتاوا و روایات در «فقه الرضا (ع)» استناد می‌شود که فقیهان و محدثان امامیه، آنها را در آثار خویش از کتاب «التکلیف» شلمغانی نقل کرده‌اند و از متفردات و اختصاصات دروغین و برساخته وی در این کتاب برشمرده‌اند. برای اثبات هدف دوم نیز، به عدم درج اسناد متصل برای روایات کتاب استدلال شده و در نتیجه، به دلیل عدم شناخت راویان احادیث، اعتماد فقیهان به روایات این کتاب در فرایند استنباط و اجتهاد، مخدوش و غیرمقبول دانسته شده است.

جستار حاضر، به دلیل اهمیت نظریه علامه سیدحسن صدر کاظمینی و نیز، از آنجا که پژوهشی مستقل در زمینه ارزیابی آن در دست نیست، با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد مکتوب، به تحلیل و اعتبارسنجی دیدگاه یادشده و کشف پاسخ به دو پرسش اساسی ذیل می‌پردازد:

الف) نظریه یگانگی «فقه الرضا (ع)» و کتاب «التکلیف» به دلیل حضور متفردات شلمغانی و ب) عدم اعتبار استنباط‌های فقهی بر اساس روایات این کتاب به دلیل نداشتن اسناد متصل، از چه میزان اعتبار و اتقان برخوردار است؟

۲- جایگاه محمد بن علی شلمغانی و کتاب «التکلیف»

ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی، معروف به «ابن ابی العزاق»، اهل شلمغان، از توابع واسط (حموی، ۱۹۵۵، ج ۳، ص ۳۵۹)، از فقیهان نامدار و راویان متقدم امامیه و از غالیان سرشناس عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) به شمار می‌آید (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۸/ طوسی، ۱۴۲۷، ص ۴۴۸). وی به دلیل حسادت نسبت به ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (م. ۳۲۶ ق - دوره نیابت: ۳۰۵-۳۲۶ ق)، از نایبان چهارگانه امام عصر (عج) در عصر غیبت صغرا (صدوق، ۱۴۲۶، ص ۴۸۹/ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۶/ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۸/ ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ص ۵۰۸/ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۰۶) یا جاه‌طلبی سیاسی (حسین، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰/ جباری، ۱۳۸۱، ص ۱۸) مذهب امامیه را ترک نمود، اندیشه‌ای منحرف را برگزید و در زمره مذاهب باطل وارد گردید، تا بدان جا که از جانب امام عصر (عج) توقيح لعن وی صادر شد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۸/ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷۴).

صدور توقيح از جانب امام عصر (عج) در لعن شلمغانی و برائت از وی و پیروانش و آنان که به گفتار او راضی‌اند و کسانی که پس از آگاهی به این نامه، بر پیروی از وی و روایتش باقی بمانند، در ذی‌الحجه سال ۳۱۲ ق گزارش شده است (طوسی، ۱۴۱۱، صص ۴۰۵ و ۴۱۰).

بر اساس گزارش‌های روایی و تاریخی شیعه (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۳)، شلمغانی صاحب آثار و روایات متعدد و در ابتدای امر، دارای اعتقادات صحیح و دیدگاه‌های حق امامی بوده و چهره‌ای ویژه، آبرومند و معتبر

در نگاه خاندان‌های شیعی و مجامع علمی امامیه به شمار می‌آمده است. وی منزلت ویژه خویش را به سبب معرفی شدن به خاندان‌های امامی و اعتبار بخشیدن به جایگاه و روایاتش، مدیون ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی بوده است، اما پس از ادعای بابیت امام عصر (همان، همانجا)، ارتداد و ارانه گفتارها و دیدگاه‌های منحرف فراوان، مانند قول به حلول روح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در سایر مردم (سایر دیدگاه‌های باطل را، ن. ک: همان، صص ۴۰۳-۴۰۷/ ابن اثیر، بی تا، ج ۸، ص ۲۹۵/ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۵۶۷/ حموی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۶)، هر گناه، گفتار کفرآمیز و حکایت ناپسندی را برای مردم نقل می‌نمود و آن را به شیخ ابوالقاسم نوبختی، نائب سوم امام عصر (عج)، منتسب می‌ساخت. بر همین اساس، مردم آن گفتار را از وی می‌پذیرفتند، اما پس از کشف حال و گفتار شلمغانی برای ابن روح، وی شلمغانی و کلامش را انکار نمود و پیروان او را از پذیرش کلام شلمغانی نهی کرد و آنان را به لعن و برائت از شلمغانی فرمان داد.

بر اساس گزارش منابع، پس از انحراف و صدور مقالات و گفتارهایی ناصواب و پلید از شلمغانی، وی در نهایت به دست حاکم عباسی در بغداد به دار آویخته شد (طوسی، بی تا، صص ۱۴۶-۱۴۷/ ابن داود حلّی، ۱۳۸۳، ص ۵۰۸/ ازدی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۴۱).

۲-۱- کتاب «التکلیف»

در مصادر فهرستی، آثاری چند برای ابو جعفر شلمغانی برشمرده شده است که رساله به ابن همام و کتاب‌های «التکلیف»، «الزاهر بالحجج العقلية»، «المباهلة»، «الأوصياء»، «المعارف»، «الإيضاح»، «فضل النطق علی الصمت»، «فضائل العمرین»، «الأنوار»، «البداء و المشیئة» و «نظم القرآن» از آن جمله‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۸/ کحاله، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ص ۱۶). یکی از آن آثار که شلمغانی در زمان صحت و استقامت مذهبی و سلامت اعتقادی خویش، تصنیف کرده، کتاب «التکلیف» است (طوسی، بی تا، صص ۱۴۶-۱۴۷/ مازندرانی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴/ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۰۶/ خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۵۰). بنا بر گزارش شیخ طوسی از کتاب «التکلیف» شلمغانی، به طور مشخص تنها یک حدیث در باب شهادت، مبنی بر جواز شهادت بدون علم، از این کتاب استثناء شده است (طوسی، بی تا، صص ۱۴۶-۱۴۷). همچنین، بر اساس نقلی از حسین بن روح نوبختی، تمام عبارات کتاب «التکلیف» از امامان معصوم (ع) روایت گردیده و تنها دو یا سه موضع آن، بر ساخته و دروغین است که شلمغانی آن موارد را به اهل بیت (ع) منسوب ساخته است (همان، همانجا).

گروهی از روایان و مشایخ حدیث امامیه، بدان کتاب عمل نموده و از آن روایت کرده‌اند. از جمله روایان و استخراج‌کنندگان حدیث از این کتاب، می‌توان علی بن موسی بن بابویه قمی را نام برد که «التکلیف» شلمغانی را اصل و اساس «رسالة الشرايع» خویش قرار داده و شیخ صدوق نیز این رساله را از پدر، روایت کرده است. شیخ مفید نیز این کتاب را از شیخ صدوق از ابن بابویه، و شیخ طوسی آن را از طریق مشایخ خویش از صدوق و از پدرش ابن بابویه روایت کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴/ طوسی، بی تا، ص ۱۴۷/ علامه حلّی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴).

شیخ طوسی، اتفاق نظر فقیهان امامیه و اجماع عملی آنان را در اعتماد و وثوق به روایات شلمغانی، گزارش می‌کند. همچنین، وی به عمل فقیهان شیعه به روایاتی که از طریق ابو جعفر شلمغانی در زمان

استقامت و سلامت اعتقادش نقل شده، به دلیل وثاقت و اعتماد شیعیان امامی به روایاتش، تصریح نموده است^۱ (همان، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱).

بر همین اساس، این احتمال تقویت می‌گردد که علی بن بابویه قمی، کتاب «التکلیف» را یا در حال استقامت اعتقادی شلمغانی روایت کرده و یا حتی پس از انحراف و ارتداد وی، به دلیل وثوق به روایات این کتاب، احادیث آن را در قالب «رسالة الشرايع» روایت کرده است و شیخ صدوق نیز به همین دلیل، کتاب را از پدرش، و شیخ مفید کتاب را از شیخ صدوق از علی بن بابویه روایت کرده‌اند.

۲-۲- توجیه استثناء مواضع مختلف از کتاب «التکلیف» توسط فقیهان

سه موضع از کتاب «التکلیف»، جعلیات شلمغانی دانسته شده و توسط فقیهان و محدثان امامیه استثناء گردیده است:

- ۱- استثناء حدیث شهادت بدون علم توسط علی بن بابویه قمی و روایت بقیه کتاب (طوسی، بی تا، ص ۱۴۷) و پذیرش همان یک استثناء توسط شیخ مفید (علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴).
- ۲- استثناء قول شلمغانی در کفایت نصف صاع طعام در زکات فطره توسط برخی از فقیهان قم (همان، ۱۴۱۱، ص ۳۹۰).

۳- تصریح شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی به روایت جمیع مطالب کتاب از امامان معصوم (ع) (همان، ۱۴۱۱، ص ۴۰۹) به استثناء دو یا سه موضع که شلمغانی در روایات آنها به اهل بیت (ع) دروغ بسته است (همان، همانجا).

می‌توان این گونه استثنائات متعدد و مختلف را به صورت‌های ذیل توجیه کرد:

الف- وجه جمع بین استثناء فقیهان قم (در حدیث زکات فطره) و سایر استثنائات را می‌توان به این سبب دانست که کتاب «التکلیف»، پس از اطلاع حسین بن روح نوبختی به انتساب دروغین حدیث شهادت بدون علم توسط شلمغانی به اهل بیت (ع) و تهذیب کتاب از آن حدیث، توسط نوبختی جهت مطالعه و پالایش برای فقیهان قم ارسال گردیده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۹۰).

علاوه بر این احتمال، می‌توان وجه عدم استثناء حدیث شهادت بدون علم توسط فقیهان قمی را به دلیل شهرت کذب آن در مجامع علمی و در نتیجه، عدم احتیاج به ذکر آن دانست.

همچنین، ممکن است وجه عدم استثناء این حدیث را به دلیل علم قمیان به اخبار شیخ صدوق به نوبختی در این زمینه، پس از ملاقات با وی در عراق به شمار آورد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۱، شماره ۶۸۴). بر این اساس، فقیهان قم استثناء حدیث شهادت بدون علم را لازم ندانسته‌اند و یا ممکن است در کذب شلمغانی در این مورد، با نظر ابن بابویه، مخالفت یا تردید داشته‌اند چنانکه همانند مفاد این حدیث در جواز شهادت بدون علم، در کتاب «النهاية» شیخ طوسی نیز مطرح گردیده است (طوسی، ۱۴۰۰، صص ۳۲۹-۳۳۰).

حدیث شهادت بدون علم، به مؤمن صاحب حقی اختصاص دارد که طرف مقابلش، اهل دین و مذهب

۱. «فإن كانوا ممن عرف لهم حال استقامة وحال غلو، عمل بما رَووه في حال الاستقامة وترك ما روه في حال خطائهم ولأجل ذلك عملت الطائفة بما رواه... و ابن أبي الغزائر. فأما ما يرويه في حال تخليطهم فلا يجوز العمل به على كل حال» (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱).

نباشد و مرافعه آن دو، نزد حاکم جائر ارائه شده است. هرچند به تصریح برخی از محققان، هیچ یک از فقیهان امامیه، به این حدیث عمل نکرده‌اند (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۱۵)، اما مضمون این حدیث، قبل از شلمغانی و توسط راویان طبقات پیش از وی نیز نقل گردیده است:

صقار قتمی - از محدثان جلیل‌القدر امامیه (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۴) که در طبقه‌ای متقدم بر شلمغانی حضور دارد - به نقل از امام صادق (ع)، جواز شهادت شاهد واحد در محکمه حاکمان جور را برای احقاق حق فردی مسلمان، از سیره رسول خدا (ص) نقل می‌کند (مشابعت را، ن. ک: صقار قتمی، ۱۴۰۴، ص ۵۳۴). شیخ حرّ عاملی نیز این روایت را با اندکی اختلاف الفاظ از سعد بن عبدالله اشعری (م. ۳۰۰ یا ۳۰۱ ق) که او نیز متقدم بر شلمغانی است، نقل کرده است (مشابعت را، ن. ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۳۳۹). بنابراین، احتمال عدم دروغگویی شلمغانی در این مسأله بعید نخواهد بود و استثناء این حدیث توسط ابن بابویه قمی را می‌توان بر اساس تقیه دانست که به دلیل ترس از شهرت انتساب فتوای جواز شهادت بدون علم به شیعه، توسط مخالفان مذهب با استناد به حدیث شلمغانی، به استثناء و رد آن پرداخته است؛

ب- در عدم استثناء حدیث زکات فطره توسط علی بن بابویه، این احتمال مطرح است که وی در هنگام روایت کتاب، به مخالفت دیدگاهش با فقیهان قم توجه نداشته و اشاره نکرده است و بر همین اساس، مخالفت وی با دیدگاه فقیهان قم در استثناء حدیث فطره نقل نشده است. اگر ابن بابویه قمی مخالفت خویش را بیان می‌کرد، از آن جهت که وی شیخ متقدم و ثقة فقیهان قم است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۱)، قطعاً این اختلاف دیدگاه در آثار فقهی آنان آشکار می‌گردید، مگر آنکه ارسال کتاب برای فقیهانی غیر از وی در قم صورت گرفته باشد.

احتمال دیگر در این زمینه، عدم قطع ابن بابویه به دروغ بودن حدیث زکات فطره است؛ از آن جهت که این روایت دارای نظایری در سایر نصوص است (مشابعت را، ن. ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۵، ح ۲۴۶)؛ ج- در تعداد استثنائات ابوالقاسم بن روح نوبختی از کتاب «التکلیف»، احتمال جمع بین ظاهر کلام ابن بابویه و ظاهر کلام فقیهان قم مطرح است و تردید در کلام وی نسبت به استثناء «دو یا سه موضع» از کتاب «التکلیف» (همان، ۱۴۱۱، ص ۴۰۹)، ممکن است به دلیل احتمال کذب در موضعی سوم مانند حدیث علامت آب کَر باشد که در آن، پرتاب سنگ به وسط محل اجتماع آب به عنوان اماره و معیار آب کَر تعیین شده است (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۱/ر. ک: امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۹۱).

۳- شواهد یگانگی «فقه رضوی» و کتاب «التکلیف»

در آثار امامیه، برخی از احکام و فتاوا منحصرأً به شلمغانی منسوب و مختص است که در فقه رضوی نیز مشاهده می‌شود. تصریح مشایخ حدیث و فقیهان امامیه به وضع و جعل انحصاری این احادیث در «التکلیف» به دست شخص شلمغانی و حضور آنها در «فقه الرضا (ع)»، دلیل علامه سیدحسن صدر کاظمینی بر اتحاد دو اثر قلمداد گردیده است. این احکام و فتاوا عبارت‌اند از:

الف) جواز شهادت بدون علم به نفع مدعی، هنگامی که وی شخصی مؤمن و معروف به راستگویی باشد. این نقل، به تصریح برخی از فقها، فتوای شلمغانی دانسته شده است (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۹۶). در باب شهادت فقه رضوی نیز، روایت جواز شهادت بدون علم نقل گردیده است (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶،

ص ۳۰۸).

شواهد انفراد و اختصاص شلمغانی در این حدیث که دلیل بر اتحاد دو اثر محسوب می‌گردد، عبارتند

از:

الف-۱) تصریح فقیهان بزرگ شیعه: دو تن از فقیهان قم، یعنی ابوالحسن محمد بن احمد ابن داود قمی (م. ۳۶۸ ق) و حسین بن علی بن بابویه (زنده در ۳۷۸ ق)، برادر شیخ صدوق، به تصریح، حدیث شهادت بدون علم را به عنوان یکی از مواضع اشتباه و احادیث دروغین کتاب «التکلیف» نام برده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۹)، و بنا بر گزارش شهید ثانی، شیخ مفید تنها مسأله مخالف با مذهب اهل بیت (ع) در کتاب «التکلیف» را همین فتوا دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، صص ۱۳۹-۱۴۰/ر.ک: حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۳۲). فقیهان دیگری نیز مانند شیخ طوسی (طوسی، بی تا، ص ۱۴۷)، ابن ادریس حلی (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۳۲)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۹۶) و شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، صص ۱۳۹-۱۴۰) به اختصاص و انفراد شلمغانی در این دیدگاه اذعان نموده‌اند؛

الف-۲) ابن ابی‌جمهور احسانی (زنده در ۹۰۴ ق)، روایت جواز شهادت بدون علم را صراحتاً از کتاب «التکلیف» شلمغانی که نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته است، پس از روایتی دیگر از کتاب «التکلیف» نقل می‌کند (احسانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۱۵). ورود این دو حدیث در فقه رضوی (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، صص ۳۰۷-۳۰۸)، با همان ترتیب مذکور در «غوالی اللثالی»، به ضمیمه شهادت فقیهان امامیه به اختصاص این حدیث دروغین به شلمغانی، قرینه بر اتحاد دو کتاب است؛

الف-۳) شیخ طوسی در کتاب «الغیبه»، تصریح حسین بن روح نوبختی را به وجود روایتی دروغین در کتاب «التکلیف» که توسط شخص شلمغانی جعل گردیده، نقل کرده است و در نقل دیگری از حسین بن علی بن بابویه قمی، حدیث شهادت بدن علم را به عنوان موضع و لفظ همان حدیث دروغین و مجعول، معین نموده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۹)؛

الف-۴) رد سایر احتمالات درباره حدیث شهادت بدون علم: در این بین، علاوه بر احتمال اتحاد دو کتاب، احتمالات دیگری نیز مانند اخذ این حدیث از کتاب «التکلیف» به دست مؤلف متأخر «فقه الرضا (ع)» و درج آن در کتاب یا تحریف آن در فقه رضوی توسط شخصی غیر از مؤلف کتاب مطرح است.

اما چنین احتمالاتی باطل است، زیرا بر اساس احتمال اول، مؤلف و گردآورنده فقه رضوی، حتماً متأخر از شلمغانی بوده است، اما قطعاً استخراج چنین حدیثی که کذب و جعل آن در اوج شهرت و وضع آن منتسب به شخصی چون شلمغانی است و قرار دادن آن در کتاب متأخر، از هیچ مؤلف هوشمندی گمان نمی‌رود، زیرا در صورت شناخت واضح حدیث یعنی شلمغانی که با رجوع به منابع رجال و فهارس، جایگاه وی و کتابش روشن است، استثناء این حدیث توسط فقیهان و راویان امامیه نیز معلوم می‌گردد. بنابراین، مؤلف متأخر تنها با نام بردن از شلمغانی و تصریح به مرسل بودن آن - چنانکه ابن ابی‌جمهور تصریح کرده است (احسانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۱۵) - این حدیث را استخراج و نقل خواهد نمود؛ اما نقل مطلق و بدون تصریح به مرسل بودن آن - چنانکه در فقه رضوی آمده است - از هیچ مؤلف آگاه به حدیث سر نخواهد زد. احتمال تحریف آن حدیث در فقه رضوی پس از دوره تألیف و توسط دیگران نیز، با وجود شهرت وضع و جعل آن به

دست شلمغانی، احتمالی غیر قابل پذیرش است (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، صص ۸۸-۹۴).
 ب) تعیین معیار و علامت مقدار آب کرّ، با پرتاب سنگی در وسط غدیر (= محلّ اجتماع آب) و عدم تحرّک امواج تا کناره‌ها. گروهی از فقیهان متقدّم امامیه، این علامت را - که قطعاً بر خلاف اجماع است - منحصرأً به شلمغانی نسبت داده‌اند و اجماع امامیه، از قرار گرفتن این روایت در اختصاصات مجعول و ساختگی کتاب «التکلیف» نشان دارد (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۱) و حال آنکه در فقه رضوی نیز موجود است (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۹۱).

ج) جواز غسل (شستن) پا در وضو به جای مسح پا و تخییر بین مسح و شستن. این فتوا - که در فقه رضوی نیز آمده است (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۷۹) - از کتاب «التکلیف» شلمغانی استنا گردیده و به عدم روایت آن از اهل بیت (ع) و جعل آن توسط شلمغانی تصریح شده است (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، صص ۹۴-۹۶).
 د) فتوا به کفایت «نصف صاع» (= دو مُد) طعام، در پرداخت زکات فطره (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۰۹) که بر خلاف مذهب فقهی شیعه است و در فقه رضوی نیز وارد شده است (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۲۱۰).
 ه) فتوا به تطهیر پوست میته با دباغی، مشروط به طهارت حیوان در زمان حیات (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۳۰۲). این حکم علاوه بر شلمغانی (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۳۵)، به ابن جنید اسکافی نیز منسوب است (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۰۱). البته، در دیدگاه فقهی ابن جنید، نماز در چنین پوستی حتی پس از دباغی نیز جایز و صحیح نخواهد بود. انتساب این دیدگاه به ابن جنید، نشان‌دهنده این است که شلمغانی نماز را در چنین پوستی صحیح دانسته است (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۳۵).
 بر اساس شواهد مذکور، به جز احتمال «اتحاد» کتاب «التکلیف» و فقه رضوی، تنها احتمال تحریف این‌گونه احکام - که به انحصارشان در کتاب «التکلیف» شلمغانی تصریح شده است - در فقه رضوی باقی خواهد ماند. دلیل دفع آن احتمال نیز - چه تحریف‌گر، شخص شلمغانی پس از انحراف عقیده باشد و چه شخصی غیر از او به تحریف دست زده باشد - در ردّ سایر احتمالات در باره ورود حدیث شهادت بدون علم در فقه رضوی روشن گردید.

همچنین، بر فرض پذیرش احتمال تحریف، اعتبار کلّ کتاب از اساس ساقط خواهد شد، زیرا چنین احتمالی در تمامی مطالب کتاب مطرح است؛ اما قطعاً اعتنا به چنین احتمالی، عقلایی نخواهد بود، زیرا اصول عقلایی جاری در الفاظ، مانند اصل عدم تحریف، عدم زیادت، عدم نقصان و عدم تصحیف، احتمال مذکور را دفع می‌کند (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، صص ۹۴-۹۶).

۴- ارزیابی و نقد شواهد یگانگی

استشهاد و استناد به روایات یادشده، برای اثبات نظریه یگانگی محض «فقه الرضا (ع)» و کتاب «التکلیف» شلمغانی و عینیت مطلق دو اثر، به دلایل ذیل محدود است:

الف) ابطال سایر احتمالات نسبت به حدیث شهادت بدون علم و استنتاج اتحاد دو کتاب، قابل خدشه

۱- آیه‌الله صدر کاظمینی (ره)، در رساله خویش «فصل القضاء فی الکتاب المشتهر بفقہ الرضا علیه السلام»، تنها به سه مورد نخست اشاره می‌کند. موارد چهارم (۲-۴) و پنجم (۲-۵) نیز از دیگر فتوای منسوب به شلمغانی است و در برخی از آثار به عنوان مفردات وی معرفی شده‌اند، اما علامه صدر کاظمینی متعرض آنها نشده است. جهت تکمیل استدلال ایشان، دو مورد اخیر نیز در متن مقاله مطرح شد.

و مردود است، زیرا ممکن است در دیدگاه مؤلف متأخر، دروغین و موضوع بودن حدیث چندان واضح و روشن نبوده، بلکه اصلاً به کذب و وضع آن حدیث اعتقاد نداشته است و نیز، ممکن است مؤلف متأخر، آن حدیث را قبل از شهرت به بر ساخته و دروغین بودنش، از «التکلیف» استخراج و نقل کرده باشد. در این فرض، شناخت یا عدم شناخت جایگاه شلمغانی و «التکلیف» در آثار رجالی و فهرستی نیز تفاوتی نخواهد کرد. در صورت عدم شناخت مؤلف «التکلیف» و عدم آگاهی به انحراف عقیده و جایگاه او، امکان وقوع استخراج حدیث روشن است؛ اما در صورت شناخت و آگاهی، قطعاً منابع و مآخذ فهرستی که در سده‌های آینده تألیف یافته‌اند، باعث علم و حجیت بر گذشتگان نخواهند بود و همچنین، با توجه به شهرت استثنای آن حدیث توسط فقیهان و محدثان شیعه، لزومی در تصریح به ارسال حدیث از شلمغانی - چنانکه احسایی کرده است - وجود ندارد. بنابراین، احتمال وارد کردن حدیث در فقه رضوی، پیش از شهرت این حدیث به وضع، وجود دارد.

همچنین، ممکن است حدیث شهادت بدون علم، قبل از شلمغانی در برخی کتب روایی ذکر شده و وی آن حدیث را از منبعی متقدم و معتبر که در اختیار داشته، اخذ کرده است؛ اما به دلیل سابقه علمی و جایگاه شلمغانی در میان امامیان و رواج آثار او در محافل و مجامع علمی و حتی منازل شیعیان، به نام او شهرت یافته است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۸۹).

با وجود این احتمالات، استدلال به تصریح مشایخ امامیه مخدوش خواهد بود، زیرا ممکن است عبارات فقیهان و مشایخ حدیث امامیه درباره استثناء حدیث شهادت بدون علم، تنها از استثناء حدیث به وسیله علی بن بابویه قمی و تکذیب آن توسط محمد بن احمد بن داود و حسین بن علی بن حسین بابویه نشأت گرفته است، اما امکان ورود استثناء و تکذیب مذکور در مقام تقیه - به دلیل جلوگیری از نقد و تقبیح اندیشه فقهی امامیه - وجود دارد و بدون آن عبارات، کذب و وضع حدیث توسط شلمغانی، چندان واضح و روشن نخواهد بود.

از دیگر سو، درباره دفع احتمال تحریف روایت با توجه به اصول الفاظ عقلایی مانند اصالت عدم تحریف، عدم تصحیف و سایر اصول جاری در الفاظ مکتوب، باید دانست که این گونه اصول، اصولی عقلایی برای استقرار و حفظ نظام مفاهیم عرفی به شمار می‌آیند و در پذیرش و اجرای آنها، هیچ گونه تعبدی وجود ندارد. روشن است که عقلاً این گونه اصول را مادامی جاری ساخته و از آن تبعیت می‌کنند که شواهدی یقینی و ظنی و یا حتی مشکوک در دست نداشته باشند که بر اساس آن شواهد، انتساب مطالب کتاب به مؤلفش غیر ممکن باشد. سیره معمول عقلایی بر این مبنا استوار است که در صورت مطالعه یک کتاب، جمیع محتوا را - مادامی که چنان قرائن و شواهدی در دست نباشد - به مؤلف منسوب خواهند کرد و با وجود آن شواهد، در انتساب مطالب کتاب به مؤلف تردید و یا توقف خواهند نمود. بر این اساس، می‌توان این سیره عقلایی را در مواجهه با کتاب «التکلیف» نیز جاری و ساری دانست. البته، روشن است که لازمه توقف در انتساب بخشی از کتاب به مؤلف، توقف در انتساب تمام اجزا و محتوای آن نیست.

ب) استدلال به روایت علامت آب کَر در فقه رضوی (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۹۱) و انتساب آن به شلمغانی (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۱) مخدوش است، زیرا کتاب «التکلیف» شلمغانی به منظور نظارت و ارزیابی، برای عالمان قم ارسال شده است و نیز، تمام ابواب آن کتاب، یکی پس از دیگری، به وسیله

شلمغانی به حضور ابوالقاسم حسین بن روح ارائه گردیده است و پس از بررسی و اثبات صحت آن باب، توسط مؤلف نشر شده است (طوسی، ۱۴۱۱، صص ۳۸۹-۳۹۰) و نیز ابن بابویه قمی، «التکلیف» را - به استثنای حدیث شهادت بدون علم - روایت کرده است، اما هیچ یک از این محدثان و فقیهان شیعه به مخالفت حدیث علامت آب کَرّ با مذهب امامیه و استثنای آن اشاره‌ای نکرده‌اند.

با وجود آگاهی به این تاریخچه، می‌توان در اصل ثبوت آن حدیث در «التکلیف» دچار تردید شده و یا تحریف آن را در کتاب - مثلاً با احتمال اضافه شدن حاشیه در متن به دست ناسخان - محتمل دانست. البته، تحریف یک حدیث، مادامی که شواهد و قرآنی روشن بر تحریف تمام کتاب در دست نباشد، ملازم با تحریف همه محتوای کتاب نخواهد بود و احتمال تحریف تنها در مواضعی مطرح است که شواهد و قرآن آن در دست باشد. بنابراین، جریان احتمال تحریف در حدیث علامت آب کَرّ، موجب سقوط اعتبار تمام روایات کتاب نخواهد بود.

ج) سایر روایات منفرد شلمغانی در فقه رضوی، مانند تطهیر پوست حیوان مرده (میته) با دباغی (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۳۰۲)، روایت جواز مسح و شستن پا در وضو (همان، ص ۷۹) و کفایت نصف صاع از طعام در زکات فطره (همان، ص ۲۱۰) نیز، تنها بر اشتغال کتاب بر اجزای محدودی از کتاب «التکلیف» دلالت دارد.

د) براساس آنچه گذشت، شواهد یادشده تنها بر اشتغال فقه رضوی بر اجزای محدودی از کتاب «التکلیف» و مشابهت دو کتاب در آن احکام دلالت دارد؛ اما اینکه همه محتوای کتاب، دقیقاً همان کتاب «التکلیف» باشد، مستدلّ و قابل پذیرش نیست. نهایتاً، می‌توان نسخه کهن «فقه الرضا (ع)» را مجموعه‌ای از اوراق قلمداد کرد که شامل روایاتی پراکنده، خطوطی از امام رضا (ع) - مبتنی بر شهادت دانشمند و محدث ثقه قاضی سیدمیرحسین - (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۱۳ و ج ۸، ص ۳۲) و نیز بخش‌هایی از کتاب «التکلیف» شلمغانی است که توسط ورّاقان و نسخه‌سازان ناآگاه به هم متصل گردیده است.

مجموعه‌ای بودن کتاب و تلفیق آن از دو یا چند اثر، با استناد به برخی شواهد و قرآن، تأیید و تقویت می‌شود:

۱- در صفحه آغازین نسخه، عبارت «يقولُ عبدُاللهِ عليُّ بنُ موسى الرضا» تا جمله «لكنّها [در نسخه‌ای دیگر: ثمّ مكنّهم من] الحنيفية، التي قال الله تعالى لنبية(ص): ﴿وَ اتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (نساء: ۴/۱۲۵)» (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶، ص ۶۶)، تمایز و تفاوتی روشن با عبارات بعد، یعنی «و هي عَشْرَةُ سُنَنٍ، خَمْسَةٌ فِي الرّاسِ وَخَمْسَةٌ فِي الجَسَدِ...» دارد (همان، ص ۶۶)؛ زیرا عبارت اول درباره معرفت و توحید است و عبارت دوم، مقدمات باب وضو را مطرح می‌سازد؛

۲- از دیگر شواهد تمایز صفحه اول کتاب از بقیه صفحات نسخه، آن است که پس از ذکر مستحبات ده‌گانه، با عبارت «فَقَدْ عَلِمْتَ مَا وَصَفْتُهُ لَكَ» (همان، ص ۶۶) به مطلبی که قبلاً مطرح شده است، ارجاع می‌دهد؛ اما آن مطلب در نسخه موجود کنونی، مندرج نیست. این قرآن، بر تشکیل کتاب از اوراق پراکنده تأکید می‌کنند.

۵- نظریه عدم اعتبار استناد فقهی به روایات کتاب

کتاب «فقه الرضا (ع)» در شمار آثار فقه مائور شیعه محسوب می‌گردد و به شیوه مکتب فقهی رایج در عصر غیبت صغرا نگارش یافته است. در این دست آثار، با جداسازی متون احادیث از اسناد و نقل مستقیم روایت، مجموعه‌ای از آرای فقهی مؤلفان آثار، بر اساس نص حدیث یا مضمون نزدیک به متن، طرح گردیده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، صص ۸۲ و ۱۰۸). آثاری مانند «رسالة الشرايع» تألیف علی بن بابویه قمی (م. ۳۲۹ ق)، «الجامع» نوشته ابن ولید قمی (م. ۳۴۳ ق)، «المقنع» و «الهدایة» از آثار شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق) و «المقنعة» تألیف شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق) از این قبیل تألیفات قلمداد می‌شوند. صاحب نظران سبک فتوا بر اساس متون روایات را که در این قبیل آثار متبلور است، کاشف از وثوق، اطمینان و اعتماد مؤلفان آثار فقه منصوص (مائور) بر احادیث مندرج در آن آثار دانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۹۴).

بخش دوم نظریه کتابشناسی آیه‌الله صدر کاظمینی درباره کتاب «فقه الرضا (ع)» (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۴-۱۳۰)، بر این مبنا استوار است که آثار یادشده، در بردارنده روایاتی هستند که بر اساس قرائن و آمارات مورد اعتماد مؤلفانشان و بر مبنای دیدگاه شخصی آنان در شناخت احادیث صحیح، به عنوان فتوا پذیرفته شده‌اند. بنابراین، امکان استناد روایی در فرایند استنباط و اجتهاد و عمل به این گونه آثار و روایات فاقد سند در آنها، برای مجتهدان و محدثان دوره‌های متأخر مهیا نیست. «فقه الرضا (ع)» یا «التکلیف» نیز، از آن جهت که اسناد روایات توسط مؤلف حذف گردیده است، از این قاعده مستثنا نخواهد بود.

۵-۱- ادله و شواهد نظریه

برای اثبات این نظریه، به ادله ذیل تمسک شده است:

الف) در این گونه آثار، احتمالاتی چون امکان صدور تقیه‌ای روایت و عدم اتقان و اعتبار سند دست‌یابی مؤلف به روایات کتاب مطرح است. با چنین ویژگی‌هایی، حتی علم به صدور از اهل بیت (ع) نیز مستوجب صحت استناد استنباطی نخواهد بود و بدون تردید، این عدم جواز استناد و عمل در روایاتی که مظنون الصدورند، مانند روایات مندرج در آثار یادشده، اولویت خواهد داشت.

قطعاً روشن است که باید در احادیث، در صورت وقوع تعارض، ضوابط و موازین باب تعارض رعایت شود و حال آنکه، چگونگی دست‌یابی به این روایات توسط مؤلف کتاب، معلوم و روشن نیست. به عبارت دیگر، ممکن نخواهد بود که برخورد و تعامل با چنین آثاری، همانند مواجهه با روایات مُسند و مورد اعتماد باشد، زیرا روایات مُسند و معتبر - در آثار مستند - قدرت معارضه با سایر احادیث و با تقييد مطلقات را دارا هستند، اما این امکان در آثار فتوایی-روایی فاقد سند وجود ندارد.

بر این اساس، هر چند فقیهان با طرق و اسناد خویش، به نقل روایت از محدثانی مانند علی بن بابویه، شیخ صدوق و شیخ مفید در این دست آثار می‌پردازند - و «فقه الرضا (ع)» (= کتاب «التکلیف») در نظریه آیه‌الله صدر کاظمینی) نیز از جهت سبک تألیف در زمره آن آثار قرار می‌گیرد، اما بیش از صورت استخراج فتوا از کتابی فتوایی، اثر و فایده‌ای نخواهد بخشید، زیرا در چنین آثاری، فتاوی ارائه‌شده بر اساس متون روایات، تنها بر دست‌یابی مؤلفان این دست آثار به اسناد احادیث و اجتهاد آنان در اعمال قواعد تعارض و

ترجیح استوار است؛ اما آن ویژگی، در دوره کنونی وجود ندارد و آنچه (اسناد روایات) که امکان بررسی صحت یا خطای اجتهاد پیشینیان را روشن می‌سازد در دست نیست (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴).

ب) استناد به تصریح ابن روح نوبختی بر اینکه تمام مطالب کتاب «التکلیف» - به استثناء دو یا سه موضع از کتاب - منحصر در روایات از امامان معصوم (ع) است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۹) و همچنین، گفتار شیخ مفید در انحصار مخالفت کتاب «التکلیف» با مذهب امامیه، تنها در روایت شهادت بدون علم (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، صص ۱۳۹-۱۴۰)، موجب اعتماد به «فقه الرضا (ع)» نخواهد شد، زیرا:

ج) نهایت دلالت شهادت حسین بن روح، مروی بودن کتاب است، اما قطعاً هر روایت مروی، صحیح نیست و هر روایت صحیح نیز موجب عمل و استناد در فرایند استنباط فقهی نمی‌شود، زیرا در عمل اعتدالی به اخبار و احادیث، تنها به روایات پذیرفته شده توسط روایان و فقیهان امامیه، عمل می‌شود و روایات شاذ و غیرمقبول، رد خواهد شد. همچنین، باید حدیث راویان اصدق، اعلم و اورع را مقدم داشت، ولی به دلیل تجرد این کتاب از سند، امکان این تقدیم فراهم نیست.

البته، امکان استعمال مخالفت و یا موافقت احکام فقه رضوی با قرآن و سنت معلوم و دیدگاه اهل سنت فراهم است و به همین دلیل است که مواضع خاصی از کتاب که مؤلف آن با وجود مخالفت با دیدگاه فقهی امامیه، به صورت معتمد و عامل به آن احکام، در کتاب وارد نموده است، توسط فقیهان و حدیث‌شناسان مشخص گردیده‌اند؛

د) دیدگاه یادشده از شیخ مفید که توسط شهید ثانی نقل گردیده (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، صص ۱۳۹-۱۴۰)، ظاهراً نقل به معنا توسط شهید ثانی است و اصل این نقل، از عبارت علامه حلی در «الخلاصه» قابل برداشت است که چنین می‌نویسد: «شیخ مفید، کتاب «التکلیف» را - به استثنای یک حدیث در باب شهادت - روایت می‌کند» (علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴). در غیر این صورت، چگونه ممکن است اشتغال کتاب بر مسائلی مخالف با مذهب امامیه، همچون علامت تعیین مقدار آب کرّ، جواز نماز در پوست دباغی شده میته، تخخیر بین شستن و مسح پا در وضو و... بر شیخ مفید مخفی مانده و توسط وی استثنای نشده باشد؟! بر همین اساس، ممکن است شیخ مفید تمام مطالب کتاب را - به جز حدیث شهادت بدون علم، که حدیثی برساخته است - «مروی» دانسته است و یا اینکه از استثناء «دو یا سه موضع» از کتاب توسط حسین بن روح و اینکه به غیر از حدیث شهادت نیز احادیث موضوع و دروغین توسط شلمغانی در «التکلیف» وارد شده، اطلاعی نداشته است (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۷-۱۲۸).

از سوی دیگر، هرچند مراسیل این کتاب، احادیث مروی هستند، اما امکان شناخت وثاقت راوی آنها وجود ندارد. بر این اساس، صدور قطعی این روایات از ائمه (ع) و بی‌نیازی سندی از این جهت و مطابقت تمام مطالب با واقع و دیدگاه حق، از صرف مروی بودن، قابل استنباط نخواهد بود.

نکته مهم در این زمان، عدم وجود مجرای قواعد، موازین و شرایط تشخیص بخش‌های روایی کتاب و هماهنگی آنها با ضوابط مذهب است و مشکل اصلی در آثاری که به سبک فتوایی-روایی تنظیم گردیده، عدم امکان وقوف و آگاهی بر اسناد آن متون است (صدر کاظمینی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۵-۱۲۶).

۵-۲- ارزیابی و نقد نظریه

ادله و شواهد یادشده توسط مرحوم آیه الله صدر کاظمینی برای اثبات نظریه عدم اعتبار استناد فقهی به احادیث اثر، که قابل تعمیم به همه آثار فقه ماثور است - بر اساس پذیرش یکسانی بخش‌هایی از آن با روایات کتاب «التکلیف» - از جهات متعدّد قابل نقد و خدشه است:

الف) از جهت کلی و کُبری، می‌توان بر اساس مجموعه‌ای از شواهد و قرائن، به صدور روایات این اثر از جانب اهل بیت (ع) پی برد:

از یک سو، این اثر روایی در مجامع علمی شیعه و بین فقیهان و محدّثان آگاه به ضوابط مذهب و معیارهای فقه اهل بیت (ع) و آشنا به جایگاه روایات، راویان و مؤلّفان، رواج و شهرت داشته است و از سوی دیگر، منازل شیعیان - به تصریح گزارش‌های تاریخی - مملوّ از آثار مؤلّف آن بوده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۸۹)، اما با این حال، هیچ‌گونه خدشه‌ای بر آن کتاب وارد نشده، بلکه مورد تأیید فقیهان و محدّثان مورد اعتماد قرار گرفته است.

از سوی دیگر، با توجه به ویژگی‌های آثار فقه ماثور که به منظور عمل فقهی و شرعی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، صص ۸۲ و ۱۰۸) و بیانگر وثوق و اطمینان مؤلّفان آثار فقه منصوص بر احادیث هستند (سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۹۴)، قطعاً اگر این آثار از جهت صدور مخدوش باشند، فقیهان و محدّثان آگاه به روایات و آشنا به احوال و جایگاه آثار و مؤلّفان، برای جلوگیری از رواج استفاده از آنها، به ضعف و عدم حجّیت آثار از جهت صدور تصریح می‌کردند، اما حتی اشاره‌ای در این زمینه، درباره این کتاب در دست نیست.

بنابراین، می‌توان روایات چنین کتابی را به منزله خبر ثقه به شمار آورد و صدور آنها را از جانب ائمه (ع) پذیرفت.

ب) از جهت صغروی نیز، باید به نکات ذیل توجه داشت:

ب-۱) با نقل صحیح، گزارش شده است که خانه‌های شیعیان مملوّ از کتب شلمغانی بوده و کتاب «التکلیف» نیز در بین آثار وی قرار داشته است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۸۹). همچنین، شلمغانی این کتاب را قطعاً در حال استقامت و صحّت اعتقاد خویش تصنیف کرده است (همو، بی‌تا، صص ۱۴۶-۱۴۷). با توجه به فراگیر شدن این کتاب، مطالب آن مورد نیاز شیعیان و دارای شهرت در بین آنان بوده است.

از سوی دیگر، مورد بحث و مطالعه و ارزیابی دقیق قرار گرفتن کتاب توسط بزرگانی چون ابن روح نوبختی و فقیهان و محدّثان قم، مؤید این رواج و شهرت است. بنا بر گواهی صریح حسین بن روح، تنها دو یا سه موضع از احادیث این کتاب، مجعول و دروغین است و سایر آنها قطعاً از امامان معصوم (ع) صادر گردیده است (همان، ۱۴۱۱، ص ۴۰۹).

بنابراین، احتمال ثبوت آرا و فتاوی محض مؤلّف و دیدگاه شخصی و جعلی او در کتاب، بدون تطابق با روایات معصومان منتفی است و هرچند که ممکن است وی با نظر و سلیقه خویش روایاتی را دست‌چین کرده و در کتاب درج نموده باشد، اما تأیید آنها توسط نایب خاص امام عصر (عج) و سایر فقیهان و محدّثان و نیز، رواج آن احادیث در مجامع شیعی بدون مخالفت فقها و محدّثان ثقه شیعه، نشانگر انطباق روایات وی با مذهب اهل بیت (ع) و صدور آنها از جانب امامان است؛

ب-۲) قدر متیقن از تصحیح یکایک ابواب و همه بخش‌های کتاب «التکلیف» به دست حسین بن روح (طوسی، بی تا، صص ۱۴۶-۱۴۷) و سپس، درج و نقل روایات آن باب توسط شلمغانی، و نیز توجه به عمل فقیهان امامیه بر اساس روایات کتاب (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱) - به ویژه، با توجه به ویژگی‌های آثار فقه مأثور - مؤید پذیرش صدور روایات کتاب از جانب معصوم (ع) است. بنابراین، روایات کتاب «التکلیف»، به استثنای مواردی که دروغ بودنشان معلوم و یا - بر اساس قرائن و ضوابط عقلایی - محتمل است، حجت خواهد بود و پس از اثبات حجیت صدور، نیاز الزامی به شناخت همه راویان تمام احادیث آن وجود نخواهد داشت؛

ب-۳) قواعد و طریق جمع و ترجیح در تعارض، منحصر به فرض معرفت جایگاه و احوال یکایک راویان احادیث نیست، بلکه در مقام ترجیح، عوامل و شواهد موجب نزدیکی به مقام حجیت نیز کفایت خواهد کرد. مواردی مانند: ملاحظه و بررسی تطبیقی کتاب و کشف موافقت یا مخالفت با قرآن و روایات اصحاب امامیه و راویان اهل سنت و ضوابط و قواعد عمومی مذهب و نیز، سیره اهل بیت (ع)، مواردی از این قبیل محسوب می‌شود.

آنچه درباره سبب اعتماد ابن بابویه قمی، شیخ صدوق و شیخ مفید در پذیرش احادیث چنین آثاری و ترجیح روایات آن بر سایر کتب، گمان می‌رود، پیمودن همین روش در بررسی احادیث است و عمل آنان به روایات کتاب، منحصر به صورت نایابی نصوص مسند نبوده است.

سید مرتضی علم الهدی (م. ۴۳۶ ق) نیز به تصریح می‌نویسد: «در مسائل مشکل فقه، جواب را از رساله ابن بابویه قمی یا کتاب شلمغانی یا کتاب عبیدالله حلبی اخذ می‌کنیم. [البته، رجوع به رساله ابن بابویه و کتاب حلبی، در هر صورت، نسبت به رجوع به کتاب شلمغانی اولویت دارد]» (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۹).

چنان که روشن است، سید مرتضی رجوع به کتاب شلمغانی را ممنوع نساخته و آن را به حالت نایابی نصّ مُسنَد، مقید نکرده است. عدم اولویت کتاب «التکلیف» نسبت به دو کتاب دیگر را می‌توان به دلیل جایگاه شلمغانی پس از انحراف عقیدتی و لعن او مستند ساخت.

بنابراین، علاوه بر آنچه که پیش از این درباره منبع صدور روایات - به عنوان قدر متیقن - بیان شد، درباره صحت عمل به روایات این کتاب نیز پذیرفته است و مجوز استناد به احادیث آن در فرایند استنباط احکام فقهی به شمار می‌رود. بر این اساس، به دلیل حصول وثوق به صدور روایات از جانب اهل بیت (ع) و اطمینان به صحت عمل مطابق با احادیثی از کتاب که با ضوابط مذهب فقهی شیعه هماهنگ‌اند، استنباط احکام بر پایه روایات این قبیل آثار، مطابق با اسلوب‌های پذیرفته‌شده در اجتهاد امامیه است و فقیهان مجازند که با استناد به کتاب «فقه الرضا (ع)»، به استنباط فقهی بپردازند.

استدلال‌های کبروی و صغروی یادشده، از این قابلیت برخوردارند که نسبت به سایر آثار فقه مأثور که مورد اعتماد فقیهان بوده‌اند و فقهاء به روایت کتاب و عمل به احادیث آن اهتمام داشته‌اند، نیز تعمیم یابد.

نتیجه‌گیری

جستار حاضر، عهده‌دار تحلیل و ارزیابی نظریه یگانگی کتاب «فقه الرضا (ع)» و کتاب «التکلیف»

شلمغانی و نیز، ارزیابی اعتبار یا عدم اعتبار استناد استنباط فقهی در اجتهاد شیعی به روایات کتاب «فقه الرضا (ع)» بوده است و نتایج ذیل را به دست می‌دهد:

۱. در پاسخ به اولین بخش از پرسش این جستار و در فرایند کشف میزان اتقان و استحکام شواهد و مستندات نظریه اتحاد دو کتاب فوق‌الذکر باید دانست: تصریح محدثان و فقیهان شیعه به وضع و جعل برخی از احادیث در «التکلیف» به دست شلمغانی و انفراد او در این فتاوا و اقوال، تنها بر اشمال فقه رضوی بر بخش‌های معینی از «التکلیف» دلالت دارد و می‌توان فقه الرضای موجود را مجموعه‌ای دانست که بخش‌هایی از کتاب «التکلیف» شلمغانی را نیز در بر دارد. همچنین، برخی از روایات منسوب به شلمغانی دارای نظایری در دیگر آثار و راویان دیگر است.

بنابراین، استناد به روایات اختصاصی شلمغانی از اتقان لازم و کافی جهت اثبات نظریه یگانگی به طور مطلق، برخوردار نیست؛

۲. در پاسخ به بخش دوم سؤال مقاله، یعنی اعتبارسنجی استناد فقیهان به روایات کتاب در اجتهاد - که بر اساس بررسی گزاره‌های آیه‌الله صدر کاظمینی درباره «التکلیف» به دست آمد - این نتیجه روشن گردید که استناد روایی به روایات فاقد سند در آثار فقه مآثور مانند فقه رضوی/ کتاب «التکلیف» در فرآیند استنباط فقهی و عمل، به دلیل کشف تصحیح صدوری و تصحیح عملی کتاب به وسیله فقیهان و محدثان آگاه به روایات و آشنا به جایگاه آثار و احوال مؤلفان، برای مجتهدان دوره‌های متأخر نیز مجاز و معتبر است.

منابع و مآخذ

-قرآن کریم

۱. ابن اثیر، محمد بن عبدالکریم؛ *اللباب فی تهذیب الأنساب*؛ بیروت: دار صادر، بی تا.
۲. ابن داود حلّی، حسن بن علی؛ *رجال ابن داود*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۳. احسانی، ابن ابی جمهور محمد بن زین الدین؛ *غوالی اللالی العزیزة*؛ قم: دار سیدالشهداء (ع)، ۱۴۰۵ ق.
۴. ازدی، یزید بن محمد؛ *تاریخ الموصل*؛ بیروت: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۲۷ ق.
۵. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۳۱ ق.
۶. امام رضا (ع)، علی بن موسی (ع)؛ *فقه الرضا (ع)*؛ مشهد: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۶ ق.
۷. امین، سیدحسن؛ *أعیان الشیعة*؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۸. انصاری، مرتضی؛ *فرائد الاصول*؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۹. بحرالعلوم، سید محمد مهدی؛ *الفوائد الاصولیة*؛ بی جا، بی نا، بی تا.
۱۰. جباری، محمدرضا؛ «نگاهی به انحرافات برخی از کارگزاران ائمه اطهار (ع)»؛ مجله معرفت، ش ۵۲، فروردین ۱۳۸۱ ش.
۱۱. چهارسوقی خوانساری، محمد هاشم؛ *رسالة فی تحقیق حال «فقه الرضا (ع)»*؛ بی جا، بی نا، بی تا.
۱۲. حائری اصفهانی، محمدحسین؛ *الفصول الغرویة*؛ قم: دار احیاء العلوم الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ *أمل الآمل*؛ بغداد: مکتبة الاندلس، بی تا.
۱۴. _____؛ *وسائل الشیعة*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حسین، جاسم؛ *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)*؛ ترجمه: سید محمد تقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. حلّی، محمد ابن ادريس؛ *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. حموی، یاقوت؛ *معجم الأدباء*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۰ ق.
۱۸. _____؛ *معجم البلدان*؛ بیروت: دار صادر، ۱۹۵۵ م.
۱۹. خوانساری، محمدباقر؛ *روضات الجنّات*؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم؛ *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال*؛ بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. درایتی، مصطفی و دیگران؛ *فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)*؛ تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۲ ش.
۲۲. ذهبی، شمس الدین محمد؛ *سیر اعلام النبلاء*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. رازی، منتجب الدین؛ *الفهرست*؛ تصحیح: سید جلال الدین ارموی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ ش.
۲۴. سبحانی، جعفر؛ *إرشاد العقول إلى مباحث الأصول*؛ مقرر: محمدحسین حاج عاملی، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۴ ق.
۲۵. سید مرتضی، علی بن حسین؛ *رسائل الشریف المرتضی*؛ قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
۲۶. شبیری زنجانی، سید موسی؛ *کتاب نکاح (تقریرات درس خارج فقه)*؛ ج ۸، سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ ش و ج ۱۴، سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ ش، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، بی تا.
۲۷. شهید اول، محمد بن مکی عاملی؛ *اللمعة الدمشقیة*؛ بیروت: دار التراث-الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. _____؛ *ذکری الشیعة*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ ق.

۲۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی؛ *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*؛ قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. صدر کاظمینی، سیدحسن؛ *فصل القضاء في الكتاب المشتهر ب«فقه الرضا (ع)»*؛ چاپ‌شده ضمن: «الرسائل الأربعة عشرة»، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۸۰ ش.
۳۱. _____؛ *تکملة أمل الآمل*؛ بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۲۹ ق.
۳۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ ج ۲، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. _____؛ *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*؛ ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶ ق.
۳۴. صفار قمی، محمد بن حسن؛ *بصائر الدرجات*؛ ج ۲، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. طبرسی، احمد بن علی؛ *الاحتجاج*؛ مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن؛ *تهذیب الأحکام*؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. _____؛ *العُدّة فی أصول الفقه*؛ قم: انتشارات علاقبندیان، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. _____؛ *الغیبة*؛ قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
۳۹. _____؛ *الفهرست*؛ نجف: المكتبة الرضویة، بی‌تا.
۴۰. _____؛ *کتاب الرجال*؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۲۷ ق.
۴۱. _____؛ *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*؛ ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
۴۲. طهرانی، آقابزرگ؛ *طبقات أعلام الشیعة*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق.
۴۳. _____؛ *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*؛ ج ۳، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۴۴. علامه حلی، حسن بن یوسف؛ *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*؛ ج ۲، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. _____؛ *خلاصة الأقوال*؛ نجف: المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۴۶. مادلونگ، ویلفرد؛ «*پرونده علی بن موسی الرضا (ع)*»؛ ترجمه: احمد نمائی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۸، آبان ۱۳۸۷ ش.
۴۷. مازندرانی، ابن شهر آشوب؛ *معالم العلماء*؛ نجف: المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ ش.
۴۸. _____؛ *مناقب آل ابی طالب*؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴۹. مجلسی، محمدتقی؛ *روضة المتقین*؛ قم: نشر مؤسسه کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
۵۰. _____؛ *لوامع صاحبقرانی*؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
۵۱. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ *الفصول العشرة فی الغیبة*؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۳. منوچهری نایینی، محمدرضا؛ حکیم، محمد؛ «*بازپژوهی تاریخی، فهرستی و درون‌متنی نظریه تألیف فقه رضوی به قلم حضرت رضا (ع)*»، فرهنگ رضوی، ش ۲۴، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۵۴. نجاشی، احمد بن علی؛ *الفهرست*؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ ش.
۵۵. نراقی، احمد؛ *عوائد الأيام فی بیان قواعد الاحکام*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۵۶. نوری، میرزا حسین؛ *خاتمة المستدرک*؛ قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۷ ق.
۵۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران؛ *دانشنامه آثار فقهی شیعه*؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۵ ش.